

دکتر باقر حسین شاه  
دانشکده پونچھ،

## آرای تذکره نویسان در باره شوکت بخارایی

تذکره نویسانی که شوکت بخارای را مورد توجه قرار داده اند شمه ای از زندگانی شوریده حال و رو به انزوایی او را تحریر نموده اند تعداد آنها از پانزده شانزده نفر تجاوز نمی کند. ولی از آنچه که به مرحله ترقیم آورده شده بدست می آید که چه اوضاع و احوال داشته، به چه جاهای مسافرت نموده، با چه اشخاصی روبرو گردیده یا از آنها استفاده کرده و چگونه زندگی نموده دارائی چه نوع افکار و نظریات علمی، دینی، فرهنگی و ثقافی ریشه دار و سطحی بوده.

تلاش و پرداخت در ابعاد زندگی شوکت بخارایی فرصت طولانی و وسایل هنگفتی را می طلبد که فعلاً از عهده ی این مختصر خارج است، منتهی تحت مقوله ای،  
شعر فارسی است،  
که ترجمه اش این

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

آنچه که از تذکره نویسانی همچون نصر آبادی و شیخ علی حزین وغیره بدست آمده مقداری از آتش تشنگی کسانی را که تشنه ی شناخت کامل از آن شاعر و راسته و شوریده حال هستند، خاموش میکند. مطابق همین مقوله رفتار نموده آن چه را که از بعضی از تذکره نویسان به ما رسیده اینجا می آوریم تا قاریان گرامی مقداری از آب دریا را بچشند.

در تذکره ی نصر آبادی که نامش محمد طاهر بوده در صفحه ی ۳۶۲ چنین می خوانیم که شوکت بخارایی همانطور که از انتسابش

پیداست جوانی از اهل بخارا بود بخارا در آن زمان تحت قلمرو "روس" روسیه بوده، در ۱۸۸۰ هجری به هرات روئی آورد آن جا بخدمت صفی قلی خان حاکم هرات شرفیاب میگردد و شمول الطاف و عنایات عالیه می گردد، طبعش خالی از لطف نبوده و حدود ده بیت از اشعار او را که مبنی بر مضامین عشقیه و ترك تعلق به دنیا و دل دادگی اوست نقل می کند مولف ریاض العارفین می نویسد که ایشان از وارستگان زمان خود بوده و در بلاد ایران سیاحت نموده، در اصفهان با شیخ محمد علی لاهیجی متخلص به حزین ملاقات می کند.

شیخ علی حزین در يك جمله مرتبه و مقام شوکت بخارایی را بیان می کند: شوکت بخارایی خال رخسار دیار خویش و در زمره ی یاران سعادت کیش بود. بعد به حالات زندگی او می پردازد و در آخر اشعاری را از وی نقل میکند که مضامین تنوع و گوناگونی را در بر گرفته است.

در تذکره ی بنام "نتایج الافکار" که تالیف محمد قدرت الله گوپاموی است چنین می خوانیم که محمد اسحاق شوکت بخارایی نقاد بازار خوش گفتاری بود. به گفهی وی، او به محض این که در وادی شعور داخل می شود نقود نازک خیالی به بساط خوش مقالی عرضه می کند و به جواهر معانی آبدار عروس سخن را آرایش می بخشد، در نزاکت کلام و تلاش یکه تازه یگانه در فکر دقت پسند و در فصاحت و بلاغت منتخب روزگار بود. در آوائل "نازک" تخلص می کرد ولی در ادامه "شوکت" اختیار نمود. اشعار زیادی از ایشان در این تذکره بچشم می خورد که اکثر مشتمل بر مضامین برجسته همچون، شکوه از روزگار و حب دوست است.

"هدات" در تذکره خود که بنام "ریاض العارفین" موسوم نموده، شوکت بخارایی را از وارستگان زمان خود قلمداد می کند و قصه ی دیدار با حزین لاهیجی را هم نقل می نماید.

حسان الهند مولانا میر غلام علی آزاد بلگرامی در تذکره ی خود بنام "سرو آزاد" درباره ی محمد اسحاق شوکت بخارایی می نویسد که وی، معنی یاب، دقت آفرین و گلدسته بند خیالات رنگین است. از عنفوان شعور زلف سخن را شانه کشید و چهره ی عرائس معنی را غازه ی تازه مالید. در بخارا نشو نما یافت و بنقادی نظر خدا داد طلای جید در بازار نکته سنجی رائج ساخت. در این به حالات زندگی وی و شغل که داشته، و داستان کوچک او و حشر و نشر وی با والی خراسان، اشاره شده و در آخر نمونه ای از اشعار وی که مبنی بر پند و نصائح، حب دوست و عشق معشوق است نقل شده.

تذکر الشعراء، هم سخنی مختصر از شوکت بخارایی را به میان آورده و بدون اظهار نظر درباره ی مقام شعری و علمی وی رد شده است. در "منتخب اللطائف" که تالیف رحم علی خان ایمان است چنین به چشم می خورد که، محمد اسحاق شوکت "تخلص" بخارایی، سخنور تازه خیال و اوستاد صاحب کمال است.

سید مصلح الدین مهدوی در تذکره القبوریا "دانشمندان و بزرگان اصفهان" می نویسد که شوکت بخارایی محمد اسحاق، ادیب و شاعر بود، ایشان به قناعت پسندی وی اشاره می کند و می گوید که وی مدت سی و چهار سال به يك لباس قناعت کرده.

در کتابی بنام گزیده ه اشعار سبک هندی که توسط علی رضا ذکاوتی قراگزلو، تالیف گردیده، می توان دید که شوکت بخارایی، محمد اسحاق یا محمد بن اسحاق، از خاندان اشرافی تبار بود، بعد از آموختن مقدمات به شغل پدری که صرافی بود، خود را مشغول ساخت و در همان زمان به شیوه ی صائب شعر می سرود. مصنف در ادامه می نویسد که شوکت از مایه های شاعری تخیل نیرومند و حساسیت را بحد کمال داشت، قدر تصور و تصویر گرئی وی نیز قابل ملاحظه است. بعد به تنقید وی می

پردازد و مه گوید که شوکت به سبب واقع شدن در زمان انحطاط سبک مشهور به هندی و دور ماندن از واقع، گرفتار اغراق در توهّمات و افراط در صنائع معنوی گردیده، و می توان گفت که در حد استعدادش کار نه کرده است. معاصران وی گاه بر او طنز می کردند و از یکی از مصرعه های او کاریکاتور ساخته بود، "هما عينك گذارد تا ببیند استخانم را" در ادامه دست از تنقید کشیده و به تمجید روی آورده می گوید که در آثار شوکت ابیاتی از نمط عالی و در اوج ظرافت مینیاتوری با محتوای عرفانی و انسانی ارزشمند نیز وجود دارد. ولی اشعارش بخاطر دیرباب بودن معانی دیوانش را مهجور کرده و از ارتباط با زندگی برخوردار نیست.

یکی از تذکره نگاران "علی قلی خان واله داغستانی" در "ریاض الشعراء" ابتدا به سوانح زندگی شوکت بخارایی می پردازد و در آخر می نویسد که، دیوانش متداول است. در روش خود بی نظیر و در طرز خود بدیل است. نزاکت افکارش به حدی رسیده که بعضی از آنها در هیچ اعتدال نمانده است.

شیخ احمد علی سندیلوی هم وی را به نازک خیالی و معنی بند یاد می کند و می گوید که در غزل طرز خاص دارد و در روش خود بی نظیر است، سخنش در سخنوران قدر و قیمتی دارد. "سید غلام علی آزاد بلگرامی" هم در آرای فوق هم خیال شیخاحمد علی سندیلوی است با تفاوت اندک.

در آخر تذکره ی "میر عظمت الله بی خیر بلگرامی" را ورق می زنیم و می بینیم که ایشان، شوکت بخارایی را در بستن معانی مضامین مرد تلاش گر می داند و می گوید که چنین فردی که شاعر پر قوت است در آن ولایت بدنیایا نیامده.

خلاصه این که کلیه تذکره نگارانی نه به تذکر و فکر شوکت بخارایی

پرداخته اند، وی را شاعر پر قوت، سخنور بی نظیر و در طرز خود بی بدیل، مرد قناعت پیشه و دور از زرق و برق دنیا، خوددار، دوست داشتنی، از دقیقه یابان معنی رس و نازک خیالان گرم نفس، از خاندانی اشرافی تبار، دارای تخیل نیرومند و حساسیت در حد کمال، صاحب قدرت تصور و تصویرگری، شاعر، ادیب سخنور تازه خیال و استاد صاحب کمال، معنی یاب، دقت آفرین از وارستگان زمان خود، نقاد بازار خوش گفتاری، خال رخسار دیار خویش و در زمره بیاران سعادت کیش، قلمداد نهوده به تمجید و تکریم وی پرداخته اند.

تنها علی رضا ذکاوتی است که بخاطر دیریاب بودن معانی اشعار وی دیوان او را مهجور می داند، و پیدا است که رای يك نفر در مقابل این همه تذکره نگاران صاحب نام چقدر می تواند از ارزش برخوردار باشد. قضاوت بر عهده ی قاریان گرامی است، اما به نظر بنده به يك جمله، اگر اوضاع و احوال زمانه او را یاری می کرد بیش از آن مقدار که ظاهر شده بر منصفه ی شعر شاعری با کمالات فنی بیشتر و بالا تر متجلی می شد.

## منابع:

- ۱- مولانا محمد عبدالغنی خان غنی، تذکرہ الشعراء، ص ۹۵۱۔
- ۲- آزاد بلگرامی، سید غلام علی، تذکرہ ید بیضا، ص ۰۳۱۔
- ۳- سندیلوی، شیخ احمد علی، مخزن الغرائب، ص ۸۱۲۔
- ۴- سید مصلح الدین مہدوی، تذکرہ القبور، ص ۲۷۳۔
- ۵- گوپاموی، محمد قدرت اللہ، تذکرہ نتائج الافکار، ص ۶۸۲۔
- ۶- علی رضا ذکاوتی قراگزلو، گزیدہ اشعار سبک ہندی، ص ۸۸۲۔
- ۷- مرزا محمد طاہر نصر آبادی، تذکرہ نصر آبادی، ص ۳۶۲۔
- ۸- شیخ محمد علی حزین لاهیجی، کلیات حزین، ص ۲۸۹۔
- ۹- علی قلی خان والہ داغستانی، ریاض الشعراء، ص ۳۱۲۔
- ۱۰- میر حسین دوست حسینی، تذکرہ حسینی، ص ۴۸۱۔
- ۱۱- میر غلام علی آزاد بلگرامی، خزانہ، عامرہ، ۱۸۲-۲۸۲۔
- ۲۱- مولانا میر غلام علی، مآثر الکلام، ص ۰۲۱۔

☆☆☆